

## پیشگفتار

برنامه‌ریزی درسی و تدوین سرفصل دروس رشته‌های تحصیلی دانشگاهها از فعالیتهایی است که تاکنون اهم آن برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (فرهنگ و آموزش عالی سابق) بوده و گروههای آموزشی دانشگاهها برای تغییر و تحول در آن، اختیارات بسیار محدودی داشته‌اند. اما سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۷، ص ۳۸۰) در راستای تمرکززدایی در بخش آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را مکلف نمود تا به منظور ایجاد دگرگونی در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و شیوه‌های آموزش، اختیار برنامه‌ریزی درسی را به دانشگاههای واجد شرایط محول نماید.

اینک که وزارتخانه حرکت به سمت تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به دانشگاهها را آغاز نموده است و دانشگاهها اولین گامها را در این زمینه برداشته‌اند، بررسی چند موضوع اساسی برای دست‌اندرکاران این امر خطیر ضروری می‌نماید. برای مثال، باید مشخص شود برنامه‌های درسی طی چه فرایندی باید تهیه شوند؟ برنامه درسی مطلوب چگونه باید طراحی شود تا ضمن استفاده از پیشرفته‌ترین ابزارها و روشهای تدریس، یادگیری واقعی را تضمین کند؟ چگونه می‌توان قضاوت کرد که برنامه‌های تهیه شده از مطلوبیت و کیفیت لازم و کافی برخوردارند؟ در عصری که به دلیل انفجار دانش، خودفراگیری در کانون توجه نظامهای آموزشی قرار گرفته است، تا چه حد اصول یادگیری مادام‌العمر و فراگیری خودرهبر در برنامه‌های درسی تدوین شده رعایت می‌شود؟

اگرچه نظارت بر فرایند برنامه‌ریزی درسی به منظور رعایت موارد فوق،

صحت عمل تصمیم‌گیران را در پی خواهد داشت، اما این گونه نظارتها نباید محدودیتی را برای برنامه‌ریزی درسی توسط گروههای آموزشی ایجاد نماید و یا موجب گردد استادان دانشگاهها از مشارکت در این امر عقب‌نشینی نمایند، بلکه باید پذیرفت که آشنایی اولیه با اصول برنامه‌ریزی درسی برای متخصصان تمامی رشته‌های دانشگاهی امری ضروری است. به عبارت دیگر، نباید تصور نمود که برنامه‌ریزی درسی در دانشگاهها تنها با تکیه بر تخصص استادان در رشته مربوطه عملی است یا امری است که بتوان آن را به سلیقه‌های شخصی یا به تصادف و اتفاق واگذار نمود.

تهیه کتابهای راهنما گام مهمی برای کمک به همکاران محترم اعضای هیأت علمی در برنامه‌ریزی درسی است. کتاب حاضر قصد دارد به منظور تحقق مطلوب این رسالت علمی، مبانی اولیه و فرایند برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه را تبیین نماید. در این کتاب سعی شده است از تجارب مفید کشورهای که سالها قبل در این مسیر حرکت کرده‌اند، استفاده شود. به همین جهت، کتاب به صورت ترجمه و تألیف تهیه شده تا امکان استفاده از چندین کتاب وزین و شناخته شده حاصل شود.<sup>۱</sup>

چاپ اول کتاب<sup>۲</sup> مورد استقبال همکاران محترم دانشگاهی و دانشجویان واقع شد. این استقبال و نیاز به این قبیل کتابها موجب شد تا طی سه سال گذشته در صدد ارتقای کمی و کیفی کتاب برآییم به گونه‌ای که تعداد صفحات کتاب نزدیک به

۱. برخی از کتابهایی که بخش یا بخشهایی از آنها با دخل و تصرفهای زیاد مورد استفاده قرار گرفته عبارت‌اند از:

- Cannon, R. and Newble, D. (2000), *A Handbook for Teachers in Universities and Colleges* (Forth edition), London: Kogan Page.
- Davis, B. G. (1993), *Tools for Teaching*, San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Diamond, R. M. (1989), *Designing and Improving Courses and Curricula in Higher Education*, San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Diamond, R. M. (1998), *Designing and Assessing Courses and Curricula: A Practical Guide*, Revised Edition, San Francisco: Jossey-Bass Publishers.
- Marsh, C. J. (2000), *Perspectives: Key Concepts for Understanding Curriculum*, London: Falmer Press.
- Mckeachie, W. J. (1994), *Teaching Tips* (Ninth Edition), Lexington: D.C. Heath and Company.
- Toohey, S. (2002), *Designing Courses for Higher Education*, SRHE and Open University Press.

۲. منتشر شده در سال ۱۳۸۶ توسط جهاددانشگاهی دانشگاه اصفهان در ۱۶۸ صفحه.

دو برابر شده است. از جمله اقدامات انجام شده در چاپ جدید، تدوین ابتدا و انتهای فصلها بر اساس اصول طراحی آموزشی، تغییرات ساختاری فراوان، افزودن دو فصل جدید، یک پیوست کاربردی و واژه‌نامه انگلیسی-فارسی است. در ادامه، توضیحات مختصری پیرامون مطالب کتاب ارائه می‌گردد.

فصل اول به مفاهیم، تعاریف و ویژگیهای برنامه درسی اختصاص دارد. در فصل دوم، به اختصار روند تدوین برنامه‌های درسی در دانشگاههای کشور از گذشته تا حال و سپس الزامات و آسیبهای برنامه درسی دانشگاه‌محور بیان شده است. فصل سوم که در این ویرایش افزوده شده راجع به باورها، ارزشها و ایدئولوژیهای برنامه درسی است. در فصل چهارم رویکردهای سازماندهی برنامه درسی مطرح می‌شود. افزودن این دو فصل در راستای تقویت بُعد نظری و پرداختن به نظریه‌ها و ساختار برنامه درسی صورت گرفته است. فصلهای پنجم و ششم با رویکرد سیستمی، مراحل برنامه‌ریزی درسی را بررسی می‌کند. به عبارت دیگر، آنچه که دانشگاهها باید به عنوان کار گروهی انجام دهند بررسی می‌شود. در فصلهای بعدی، مطالب نظری و عملی در زمینه برنامه‌ریزی درسی ارائه شده، لکن چون اکثر مخاطبان این کتاب، اعضای هیأت علمی غیر از رشته تعلیم و تربیت و گرایشهای آن هستند، ضروری می‌نمود تا مطالب به صورت کاربردی و عملیاتی مطرح گردد. از این رو، در فصول بعدی مطالب به صورت تفصیلی و در مواردی بر اساس تسلسل زمانی ارائه شده است. اگرچه برخی عناوین ممکن است مشابه باشند، لکن این به معنای همپوشانی محتوای مطالب آن عناوین نیست، بلکه با اندکی دقت می‌توان تفاوت فعالیتها و وظایف در مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی را بر اساس سیر زمانی مشاهده نمود. نهایتاً در پایان کتاب سه پیوست مربوط به ضرورت راه‌اندازی واحدی در دانشگاهها برای بازنگری، تدوین و ارتقای مستمر برنامه‌های درسی، آیین‌نامه بازنگری برنامه‌های درسی و اقدامات دانشگاه اصفهان در این خصوص ارائه گردیده است.

در پایان از همکارهای آقای ناصر کریم‌پور که زحمت ویرایش ادبی کتاب را تقبل نمودند، سرکار خانم زهره باقری برای نمونه‌خوانی و تطبیق متون تایپ شده و

سایر مساعدتها در تدوین نسخه نهایی کتاب، آقای نریمانی برای تایپ و صفحه آرایی و سایر همکاران محترم شورای انتشارات دانشگاه اصفهان و سازمان سمت که زحمات داوری علمی و چاپ دوم کتاب را برعهده داشته‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده، برای آنان و تمامی کسانی که در به ثمر نشستن این فعالیت علمی کوشش نموده‌اند، موفقیت روزافزون آرزو مندیم.

امید است این مجموعه مورد قبول همکاران محترم دانشگاهی واقع شود. از تمامی کسانی که به نوعی از مطالب کتاب استفاده می‌کنند خواهشمندیم با ارائه پیشنهادهای خود ضمن رفع نواقص، بر غنای مطالب چاپهای بعدی بیفزایند.